

جنگ ایران و عراق

جنگ ایران و عراق جنگی است که از ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تا مرداد ۱۳۶۷ بین دو کشور ایران و عراق جریان داشت. جنگ هشت ساله ایران و عراق یکی از فاجعه‌های تاریخ بشری در قرن بیستم است. جنگی که بعد از جنگ ویتنام، طولانی‌ترین جنگ تاریخ جهان قرن بیستم بوده است.



فهرست مندرجات

۱ پیشینه درگیری ها در زمان حکومت پهلوی

۲ علل شروع جنگ

۲,۱ اهداف صدام

۲,۲ موضع کشورهای دیگر

۲,۲,۱ سیاست صدور انقلاب اسلامی

۲,۲,۲ اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری

۲,۲,۳ تضعیف ساختار ارتش

۲,۳ عوامل قدرت ایران

۲,۳,۱ همبستگی اعتقادی

۲,۳,۲ بهره گیری از استراتژی جنگ غیرکلاسیک

۲,۳,۳ برخورداری آموزش و اسلحه های مناسب

۲,۴ حمله ارتش عراق به خاک ایران

۲,۵ = درگیری های اولیه

۲,۵,۱ آغاز جنگ

۳ میانجی گری بین المللی

۳,۱ عملیات های آزاد سازی

۳,۱,۱ عملیات فتح المبین

۳,۱,۲ عملیات طریق القدس

۳,۱,۳ عملیات بیت المقدس

۳,۱,۴ فرماندهان ارتش و فرماندهان سپاه پاسداران

۳,۲ حوادث بعدی در جنگ ایران و عراق

۳,۲,۱ عملیات رمضان

۳,۲,۲ عملیات محرم

۳,۲,۳ عملیات والفجر ۱

۴,۳,۲ عملیات والفجر ۲

۳,۲,۵ عملیات والفجر ۳

۳,۲,۶ عملیات والفجر ۴

۳,۲,۷ عملیات خیبر

۳,۲,۸ عملیات بدر

۳,۲,۹ عملیات والفجر ۸

۳,۲,۱۰ عملیات کربلای ۱

۳,۲,۱۱ عملیات کربلای ۲

۳,۲,۱۲ عملیات کربلای ۵

۳,۲,۱۳ عملیات نصر ۴

۳,۲,۱۴ عملیات والفجر ۱۰

۳,۲,۱۵ عملیات مرصاد

۳,۲,۱۶ جنگ شهرها

۳,۲,۱۷ جنگ نفتکش‌ها

۳,۳ حمله مجدد عراق به خاک ایران

۴ پذیرش قطعنامه آتش بس

۴,۱ دستاوردها و زیان های جنگ

۵ منابع

۶ آمار جنگ

پیشینه درگیری ها در زمان حکومت پهلوی

با به قدرت رسیدن حزب بعث در عراق و اتخاذ سیاست عربگرایی و عجم ستیزی و همچنین توسعه طلبی ارضی از سوی این حزب، مناقشاتی بین ایران و عراق شکل گرفت. اوج این مناقشات در سال های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ خورشیدی رخ داد. نهایتاً به علت ضعف قوای نظامی عراق در مقابل ایران، با تصویب قرارداد الجزایر در ۱۹۷۵ میلادی و تعیین خط مرزی این مناقشات پایان گرفت.

علل شروع جنگ

حزب بعث و به ویژه صدام احساس نیاز شدیدی به گسترش دسترسی خود به خلیج فارس می نمود.

بعد از عقد قرارداد کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل، که منجر به خروج مصر از جهان عرب شد، صدام با استفاده از شعار های عربی و شعار ملت واحد عربی درصدد برآمد تا مقام رهبری سیاسی جهان عرب را کسب کند. همچنین وقوع انقلاب اسلامی در ایران بیهم وقوع رخدادی مشابه در جامعه عراق که اکثریت مردم آن شیعه هستند، را پدید آورد. لذا او کوشید تا با دامن زدن به ایدئولوژی سوسیال ناسیونالیسم عربی با ایدئولوژی اسلامی مقابله کند.

به نظر می‌رسد تحولات بعد از انقلاب اسلامی در ایران منجر به تصمیم عراق در حمله به ایران شد. ضعیف شدن ارتش بعد از انقلاب در ایران، اشغال سفارت آمریکا و گروگان‌گیری اعضای آن که باعث منزوی شدن ایران در صحنه بین‌المللی شد و سیاست «صدور انقلاب» که از سوی آیت‌الله خمینی و رهبران ایران پیگیری می‌شد، صدام حسین و احتمالاً بسیاری از دولتمردان دیگر جهان را به اندیشه سرکوبی نظامی حکومت جمهوری اسلامی ایران انداخت.

همچنین اندیشه جداسازی استان خوزستان و چسباندن آن به خاک عراق یکی از دلایل‌های مهم این جنگ می‌تواند باشد به ویژه اینکه شورش عرب‌های جنوب ایران در خوزستان با شکست رو به رو شده بود. پس دولت عرب‌گرای بعث عراق خود دست به کار شد و در این راستا جنگ خود را نیز قادسیه دوم گذارده بود. می‌شود گفت بیشتر کشورهای عرب - به جز چندی چون سوریه و لیبی از رژیم صدام در این جنگ پشتیبانی کردند.

اهداف صدام

صدام سه سطح از اهداف را در حوزه نظامی تعقیب می‌کرد.

سطح اول(حداقل):الغای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که اروند را بین ایران و عراق تقسیم می‌کرد و در اختیار گرفتن اروندرود.

سطح دوم(میانی):جداسازی خوزستان یا بخشی از آن از ایران

سطح سوم(حداکثر): شکست جمهوری اسلامی ایران

توسعه طلبی ارضی؛ حزب بعث عراق در دوران حکومت پهلوی و جمهوری اسلامی تمایل شدیدی به تصرف سرزمین‌های ایران داشت.

اهداف سیاسی صدام:

سطح اول(حداقل):مقابله با موج رو به گسترش اسلام‌گرایی و گرایش شیعیان عراق به ایران

سطح دوم(میانی):کسب رهبری سیاسی و سیادت در جهان عرب

سطح سوم(حداکثر):ارتقای موقعیت سیاسی بین‌المللی عراق در فضای جنگ سرد از طریق تعامل با هر دو ابرقدرت و همچنین

جنبش عدم تعهد

موضع کشورهای دیگر

علی رغم اینکه این جنگ در دوران اوجگیری مجدد جنگ سرد بین ایالات متحده آمریکا و [اتحاد جماهیر شوروی] رخ داد، هر دو بلوک شرق و غرب از عراق حمایت کردند.

منافع مشترک آمریکا و شوروی برای حمایت عراق و تجهیز تسلیحاتی رژیم بعث عبارت بود از:

فروکش کردن احساسات انقلابی ایجاد نارضایتی در مردم بر اساس فشار جنگ و ممانعت از بسط ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در دیگر کشورهای مسلمان و همچنین فروش سلاح. البته پس از آزادسازی خرمشهر استراتژی ابرقدرت‌ها از به شکست کشاندن جمهوری اسلامی به استراتژی جنگ فرسایشی و بدون برنده تغییر یافت. بدین ترتیب بخش عمده ای از کشورهای اروپایی همپیمان آنها نیز موضعی مشابه اتخاذ کردند.

موضع کشورهای عرب منطقه:

اکثریت کشورهای عربی منطقه خاورمیانه به خاطر وجود مشابهت‌های فراوان در شرایط ساختار سیاسی و اجتماعی خود و رشد اسلام‌گرایی از وقوع تحولات سیاسی مشابه ایران احساس خطر کردند. همچنین تمایل جمهوری اسلامی به سرنگونی حکومت‌های غربگرای منطقه و جایگزینی آن با حکومت‌های اسلام‌گرا به آنها انگیزه بیشتری می‌داد. رویدادهای سال ۱۳۵۸ و سیاست صدور انقلاب اسلامی و اقدامات آشکار و پنهان در منطقه زمینه‌ای شد تا دو کشور عراق و عربستان سعودی به یکدیگر بیشتر نزدیک شوند و یک سال قبل از شروع جنگ در ۲۹ شهریور ۱۳۵۸ پیمان امنیت متقابل بین دو کشور امضا گردید. صدام حسین با جلب موافقت عربستان سعودی و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس برای جنگ با ایران توانست از امکانات مالی، نظامی و تدارکات این کشورها بهره برداری کند. رژیم عراق در آخرین سال قبل از جنگ حدود ۳۸ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت و با این وجود، کشورهای نفتی منطقه خلیج فارس (عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و قطر) حاضر به پرداخت ۱۴ میلیارد دلار وام بدون بهره به عراق شدند.

موضع اسرائیل:

سیاست صدور انقلاب اسلامی

انقلاب ۱۳۵۷ ایران (انقلاب اسلامی) مانند سایر انقلاب‌ها مبتنی بر ارزش‌های فراتر از سرزمین و مرزهای ایران بود و انقلابیون با مستضعفین و بخصوص مسلمانان جهان احساس همبستگی شدید می‌کردند. آیت‌الله خمینی نیز معتقد به جهانی بودن ارزش‌های انقلاب اسلامی بود و لذا در پی صدور انقلاب اسلامی بود و در نخستین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی اظهار داشت:

«ما باید به هر قیمت شده انقلاب خود را به تمام ممالک اسلامی و تمام جهان صادر کنیم.» او پس از استقرار از قم به تهران و اقامت در محله جماران تهران و در دیدار با مردم آن محله و خطاب به مردم ایران تصریح کرد که: «شما باید اسلام را به پیش ببرید و انشاءالله اسلام را به تمام دنیا صادر کنید و قدرت اسلام را به تمام ابرقدرتها بفهمانید.»

آیت‌الله حسینعلی منتظری در کتاب خاطرات می‌نویسد: «وقتی که انقلاب پیروز شد ... این حالت غرور را برای همه ما ایجاد کرد و لذا در بُعد سیاست خارجی شعارها همه بر اساس صدور انقلاب و این که انقلاب مرز نمی‌شناسد و این قبیل مسایل متمرکز بود. این شعارها کشورهای همجوار را به وحشت انداخت و این فکر برای آنها ایجاد شد که اینها به این شکل که پیش می‌روند فردا نوبت ماست ...»

دولت عراق این سیاست را برای خود تهدید می‌دانست زیرا عراق کشوری است که ۶۰ درصد جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دهند و برخی از شخصیت‌های بزرگ روحانی عراق نظیر آیت‌الله محمدباقر صدر از آشکارا از امام خمینی حمایت می‌کردند. لذا کوشید تا از طریق بسیج افکار عمومی برای مقابله نظامی با ایران، بر تمایلات شیعیان این کشور به ایران غلبه کند و در این راستا کاملاً موفق بود.

اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری

زمینه دیگری که در وقوع جنگ و حمله گسترده نظامی رژیم عراق به خاک ایران به سهم خود تأثیر مهمی داشت، جریان اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری بود. پس از این رویداد آمریکا در وضعیت دشمنی شدید با جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت و برای سرکوب آن حاضر به حمایت از جنگ صدام علیه ایران شد.

تضعیف ساختار ارتش

در جریان وقوع انقلاب ارتش که وابسته به حکومت پهلوی بود دچار فروپاشی شد. و با پیروزی انقلاب برخی نظیر قره باغی به خارج گریختند و برخی نظیر خسروداد اعدام شدند. همچنین طرح کودتای نوژه به حیثیت ارتش لطمه شدیدی وارد ساخت. بدین ترتیب نیاز بود که ارتش و به ویژه نیروی زمینی بر اساس مقتضیات عقیدتی جمهوری اسلامی بازسازی شود. در چنین شرایطی در ارتش نوعی دوگانگی شدید پدیدار گشت. در آن زمان چنانچه فرمانده یک واحد نظامی مأموریت یا دستور اجرای کاری را در سلسله مراتب نظامی صادر می‌کرد، پرسنل نظامی دریافت‌کننده آن امریه، اجرای آن را منوط می‌کرد به دریافت امریه کتبی از یک روحانی که به عنوان نماینده امام در آن واحد نظامی بود. استدلال پرسنل نظامی این بود که چه تضمینی

وجود دارد که در صورت اجرای دستور فرمانده نظامی واحد مربوطه با مخاطراتی احتمالی مواجه نشوند. بدین ترتیب سلسله مراتب ارتش را عملاً در هم شکستند. در طول ۱۵-۱۴ ماه بعد از انقلاب و تا مقطع حمله ارتش عراق به ایران، به طور متوسط در فاصله هر ۴-۵ ماه یک فرمانده در مقام رئیس ستاد کل ارتش و یا فرمانده یکی از نیروهای سه گانه به علت عدم وفاداری و یا امکان کودتا به اشکال مختلف تعویض شدند یا ناگزیر کناره گیری کردند و افرادی جدید نظیر «سرهنگ موسی نامجو» و «سرگرد علی صیاد شیرازی» ارتقا یافته و جایگزین آنها شدند.

بعد از ترور سرلشگر قره‌نی، در طول مدت ۱۷ ماه رؤسای ستاد کل ارتش یکی پس از دیگری استعفا دادند. این فرماندهان ستاد کل به ترتیب عبارت بودند از: سرلشگر فرید، سرلشگر شادمهر، سرتیپ شاد و بالاخره سرتیپ فلاحی که پنجمین رئیس ستاد کل ارتش به هنگام شروع جنگ.

در نیروی هوایی، در طول ۱۵-۱۴ ماه بعد از انقلاب، تعویض بالاترین رده در موقعیت فرماندهی آن نیرو بدین ترتیب بود: سپهبد مهدیون، سرتیپ ایمانیان، سرهنگ معین پور، سرلشگر باقری، و بالاخره سرهنگ فکوری پنجمین فرمانده نیروی هوایی به هنگام شروع جنگ.

در نیروی دریایی نیز این تغییرات در طول یک سال و نیم بدین ترتیب بوده است: دریادار دکتر مدنی، دریادار علوی، دریادار طباطبایی و بالاخره ناخدا دکتر مهندس بهرام افضلی که چهارمین فرمانده نیروی دریایی به هنگام شروع جنگ بود. از میان فرماندهان نیروی هوایی در آن دوره زمانی، یک نفر اعدام شد (سپهبد مهدیون) و سرلشگر باقری نیز چندین سال زندانی شد. در نیروی دریایی، دریادار دکتر مدنی ناگزیر راه خروج از ایران را پیش گرفت و به مهاجرت آمد و دریادار علوی چندین سال را در زندان گذراند.

از ۱۳ تن بالاترین رده فرماندهان نیروهای مسلح ارتش ایران، ۸ نفر به اشکالی چون اعدام، زندان، تبعید حذف شدند و دو نفر نیز در سانحه هوایی در دوران جنگ جان باختند.

در طول یک سال و نیم بعد از انقلاب تا مقطع شروع جنگ، وضعیت در رده‌های پایین تر نیروهای مسلح ارتش به اشکالی چون پاکسازی، بازخرید، استعفا و بازنشستگی، حدود ۳۰ تا ۳۵ درصد از افسران نیروی هوایی عمدتاً افسران ارشد به یکی از اشکال یاد شده از نیروی هوایی خارج شدند. این وضعیت آماری عمدتاً از افسران ارشد در نیروی دریایی بین ۲۵ تا ۳۰ درصد بوده است.

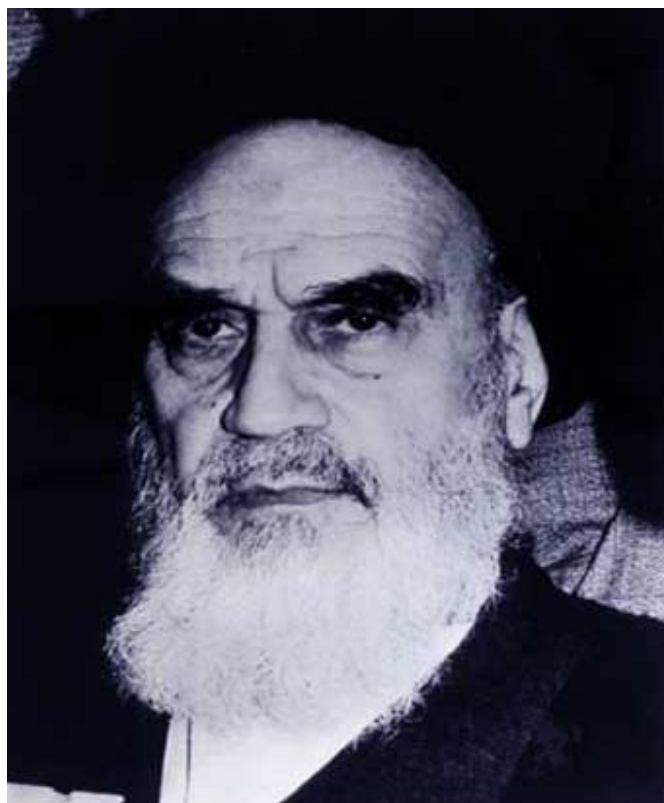
ریزش‌های پرسنلی در نیروی زمینی به مراتب بیش از آن دو نیرو بوده است. سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده وقت نیروی زمینی، یک بار آمار چهارده هزار نفر از نظامیان که از صف نیروی زمینی بیرون رفته‌اند را ذکر کرده است.

ظرفیت پرسنلی نیروهای مسلح ارتش ایران در مقطع شهریور ۱۳۲۰ و به هنگام اشغال ایران توسط نیروهای متفقین بالغ بر ۱۷۰ هزار پرسنل بوده است. این بار به هنگام حمله ارتش عراق به ایران، نیروهای مسلح ارتش ایران با ظرفیت پرسنلی بالغ بر ۱۸۰ هزار نفر، در حالی که قبل از انقلاب، ظرفیت پرسنلی نیروهای مسلح ارتش ایران بالغ بر ۴۷۰ هزار نفر بوده است.

وضعیت آمادگی واحدهای نیروی زمینی ارتش ایران به جز ارتش در غرب کشور، در سایر نقاط مختلف کشور به گونه‌ای بود که بعد از ۴۲ روز از شروع جنگ توانستند خود را بتدریج برای دفاع در مقابل ارتش عراق به جبهه جنوب ایران برسانند! در این فاصله زمانی، تنها واحد از نیروهای نظامی که در خرمشهر در مقابل دو لشکر عراق مقاومت کردند، مجموع ظرفیتشان کمتر از یک تیپ یعنی یک ششم ظرفیت واحدهای نظامی ارتش عراق در حمله به خرمشهر بود (شامل تکاوران نیروی دریایی، یک گردان پیاده، هنگ ژاندارمری و گروهی از دانشجویان دانشکده افسری) و اکثریت این پرسنل نظامی ارتش ایران در جریان مقاومت ۳۴ روزه در دفاع از خرمشهر در برابر حمله ارتش عراق جان باختند.

لشکر زرهی خوزستان که مجهزترین لشکر زرهی ارتش ایران قبل از انقلاب و نقش تدافعی در حمله احتمالی ارتش عراق به ایران جزو مسئولیت‌های سازمانی آن لشکر مجهز بود، به هنگام حمله ارتش عراق به ایران از ۳۸۵ تانک سازمانی این لشکر، فقط ۳۸ تانک آماده عملیات بود. بخشی از فرماندهان آن لشکر تا رده فرماندهان گردان و گروهان در زندان رژیم جمهوری اسلامی بودند. فرمانده لشکر ۹۲ زرهی به نام سرهنگ فرزانه، حدود یک ماه قبل از حمله ارتش عراق به ایران توسط شیخ صادق خلخالی حاکم شرع در اهواز اعدام شده بود.

اما با جایگزینی فرماندهان جدید نظیر علی صیاد شیرازی به جبهه این خلأ پر می‌گردد و وی با تأسیس قرارگاه حمزه سیدالشهدا لشگرهای ۶۴ ارومیه و ۲۸ کردستان و تیپ‌های ۲۳ نیروی ویژه هوا برد و تیپ ۳۰ گرگان شهرهای بوکان و اشنویه را آزاد کرد.



همبستگی اعتقادی

روح الله خمینی همچون شاه اسماعیل صفوی توانست با پیوند زدن نظام سیاسی با اعتقادات مذهبی مردم را در راه دفاع از وطن دینی‌شان بسیج کند. به طوری که بر خلاف انتظار صدام نه تنها مردم عرب خوزستان به عراق خوشامد نگفتند، بلکه بشدت در مقابل هجوم عراق مقاومت کردند و علاوه بر آن حدود سه میلیون نفر از مردم جهت دفاع بسیج شدند.

بهره گیری از استراتژی جنگ غیر کلاسیک

با توجه به تجهیز ارتش عراق از سوی بلوک های شرق و غرب و ضعف ارتش ایران که نیروی نظامی کلاسیک محسوب می‌شد، استراتژی جنگ غیر کلاسیک برگزیده شد. نخست این استراتژی را مصطفی چمران وزیر دفاع وقت پایه گذاری کرد. او که در مصر آموزش جنگ چریکی دیده بود و در لبنان عملیات‌های نظامی چریکی فراوانی را فرماندهی کرده بود، به رزمندگان ایرانی آموخت چگونه می‌توان با اسلحه سبک و تجهیزات اندک با لشکرهای مکانیزه عراق جنگید. بدین ترتیب اتخاذ تدابیر نظامی غیر کلاسیک منجر به پیروزی های بزرگی نظیر آزادسازی خرمشهر شد.

برخورداری آموزش و اسلحه های مناسب

بسیاری از نظامیان ارتشی نظیر علی صیاد شیرازی و بابایی در آمریکا دوره های نظامی را گذرانده بودند و بسیاری نیز در ایران تعلیمات ویژه ای دیده بودند. ضمن آنکه آمریکا در دوران حکومت پهلوی اسلحه های فراوان به ایران داده بود. بخصوص نیروی هوایی و دریایی ایران به لحاظ سلاح و پرسنل آموزش دیده کاملاً بر نیروهای عراق تفوق داشت.

حمله ارتش عراق به خاک ایران

=درگیری های اولیه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی صدام اقدام به تحریکاتی در خوزستان تحت عنوان «خلق عرب» نمود، تا خوزستان را به آشوب بکشاند. این تلاش ها موفقیت آمیز نبود.

حدود ۸-۹ ماه قبل از شروع جنگ، نوع خرید برخی تسلیحات جدید توسط رژیم صدام حسین گویای آن است که او زمینه تدارک برای اجرای حمله نظامی خود به ایران را، لاقلاً از این مقطع زمانی طرح ریزی کرده باشد. به عنوان مثال، خرید دو هزار دستگاه تانک نفربر خاکی-آبی از برزیل در اوائل زمستان ۱۳۵۸ از نوع EE-۱۱ که از نقطه نظر نظامی به منظور عملیات عبور دادن نیروهای نظامی خود از رودخانه کارون به خاک ایران بوده است.

از اردیبهشت ۱۳۵۹ بر تعداد زد و خورد های مرزی و دامنه آن افزوده شد و ارتش عراق با نبردهای پراکنده و تقریباً روزانه، ارتش ایران را در چند جبهه، مبارزه با کردها، با سران عشایر دور مرزهای عراق مشغول نگاه می داشت.

آغاز جنگ



عراق حمله به ایران را در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز کرد. صدام حسین در نامه ای که به تاریخ ۴ مهرماه ۱۳۵۹ به دبیر کل وقت

سازمان ملل متحد نوشت، ادعا کرد که عملیات نظامی ارتش عراق که از تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به اجرا درآمد، «دفاع

پیشگیری» برای دفاع از منافع حیاتی عراق بوده است. در حالی که طبق پاراگراف اول بند ۵ قطعنامه شماره ۲۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوبه ۱۲ آوریل ۱۹۷۴ «هیچ نوع دلیلی دارای هر ماهیتی که باشد اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی و یا غیره نمی‌تواند مجوزی برای تجاوز باشد»

نیروی هوایی عراق در بعد از ظهر روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به پایگاه‌های نیروی هوایی ایران حمله کرد. حملات هوایی عراق به این صورت بود:

ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر توسط ۶ میگ به فرودگاه اهواز،

ساعت دو و دوازده دقیقه بعد از ظهر با سه میگ به فرودگاه مهرآباد تهران،

ساعت دو و چهل پنج دقیقه به فرودگاه همدان، با سه میگ به فرودگاه سنندج، با هشت میگ به فرودگاه تبریز و نیز با حمله چند میگ به اسلام آباد و کرمانشاه.

خلبانان نیروی هوایی ایران به فاصله دو ساعت پس از بمباران عراقی‌ها، توانستند در ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با هواپیماهای اف-۴ به پایگاه‌های الرشید در جنوب بغداد و شعیبه در داخل خاک عراق و نزدیک مرز آن کشور حمله کنند و خسارات عمده به این دو پایگاه وارد آورند. فردای آن روز یعنی در روز یکم مهرماه ۱۳۵۹، خلبانان نیروی هوایی ایران پس از خواندن دسته جمعی سرود "ای ایران" در باشگاه افسران نیروی هوایی تهران با ۱۴۰ فروند هواپیمای بمب‌افکن به پرواز درآمدند و به پایگاه‌های هوایی و مراکز ارتباط و رادار نیروی هوایی عراق حمله نمودند. در آسمان نیز درگیریهایی بین هواپیماهای دفاع هوایی ایران و هواپیماهای عراقی به وقوع پیوست و چند هواپیمای میگ عراقی سرنگون شدند. عملیات روز یکم مهرماه که در آن ۲۰۰ پرواز در یک روز توسط خلبانان نیروی هوایی ایران انجام گردید، عملاً توان و برتری قدرت هوایی ایران را نشان داد.

در روز پنجشنبه و جمعه ۳ و ۴ مهر ۱۳۵۹، ۵۹ فروند هواپیمای نیروی هوایی ایران مواضع مهم نظامی و برخی تأسیسات نفتی عراق را منهدم کردند. در همین دو روز، ۴۱ فروند از میگ‌های عراقی توسط پدافند هوایی ایران سرنگون شدند.

نیروی هوایی عراق به خاطر نگرانی از نابودی بیشتر هواپیماهایش در زمین، ناگزیر شد تعداد زیادی از هواپیماهای خود را به فرودگاه «الولید» نزدیک اردن منتقل کند تا از برد هواپیماهای شکاری نیروی هوایی ایران در امان باشند. هواپیماهای شناسایی

نیروی هوایی ایران، این عملیات را تعقیب نمودند و خلبانان ایرانی توانستند با انجام عملیات سوخت گیری در هوا خود را به پایگاه «الولید» برسانند و در آنجا تعداد زیادی از هواپیماهای عراقی را در زمین منهدم نمایند.

عراق پیشروی خود را از جبهه های غرب و جنوب آغاز نمود. در جبهه خرمشهر به علت مقاومت مردمی گسترده به فرماندهی محمد جهان آرا فرمانده سپاه خرمشهر جنگ شهری در گرفت و تنها بعد از ۳۴ روز مقاومت خرمشهر سقوط کرد. نهایتاً این ارتش نتوانست از بهمن شیر گذر کند و به سمت آبادان بروید. همچنین نیروهای مردمی و سپاه به فرماندهی مصطفی چمران از طریق جنگ نامتقارن و عملیات چریکی نیروهای عراقی را در منطقه حمیدیه واقع در جاده اهواز-خرمشهر متوقف کردند. در جبهه غرب نیز با مقاومت نیروی هوایی و بخصوص شیروودی و کشوری ارتش عراق در ناحیه سرپل ذهاب زمینگیر شد. در مجموع طی دو ماه از شروع جنگ عراق متجاوز از چهارده هزار کیلومتر مربع خاک ایران را تصرف کرده بود (شهرهای مرزی خرمشهر، سوسنگرد، بستان، مهران، دهلران، قصر شیرین، هویزه، نفت شهر، سومار، موسیان را به اشغال خود در آورد و شهرهای آبادان، اهواز، اندیمشک، دزفول، شوشتر و گیلان غرب را آماج توپخانه خود قرار می داد) همچنین نیروی هوایی ایران با برتری خود در آسمان، با پرواز در ارتفاع کم روی واحدهای تانک دشمن در واقع نقش توپخانه را ایفاء می کرد و توانست مانع پیشروی نیروی زمینی عراق که تا فاصله ۱۰ کیلومتری اندیمشک و ۲۰ کیلومتری اهواز رسیده بودند، بشود.

بدین ترتیب واحدهای مختلف نیروی زمینی ایران به دلیل از هم پاشیدگی با تأخیر توانستند خود را به جبهه جنوب برسانند و وظیفه دفاع را سپاه خوزستان برعهده داشت. در هشتم و نهم آبان ۱۳۵۹، ارتش عراق با دو لشکر خود حمله گسترده‌ای را برای تصرف پل نادری بر روی رودخانه کرخه انجام داد، مقاومت یگانهایی از لشکر ۲۱ حمزه و یک گردان تانک از لشکر ۷۷ خراسان مانع از تصرف پل نادری شدند. در صورت تصرف پل نادری توسط عراق، این امر منجر به قطع جاده مهم اندیمشک - اهواز می شد و چنانچه خود را به ارتفاعات شمال منطقه می‌رسانند، کلیه ارتباطات جنوب قطع می شد و این مقدمه‌ای بود برای سقوط آبادان و اهواز. مقاومت سرسختانه گردان ۴۴ پیاده نیروی زمینی ارتش در پنج کیلومتری آبادان در این مقطع نقش مهمی داشت. همزمان با متوقف شدن پیشروی نیروی زمینی عراق و شکست نیروی دریایی عراق در ۷ آذر ۱۳۵۹ توسط نیروی دریایی ایران که منجر به بسته شدن راه آبی عراق به خلیج فارس شد، نیروی زمینی ارتش ایران با پشتیبانی نیروی هوایی و هلیکوپترهای هوانیروز (هواپیمایی نیروی زمینی ایران) موفق به بازسازی، پیش بینی‌های عملیاتی و طرح‌ریزی‌های لازم شد. بدین ترتیب،

یگانهای پیاده و زرهی از یگانهای لشکر ۷۷ خراسان، لشکر ۲۱ حمزه مرکز، لشکر ۱۶ قزوین، گروه رزمی زرهی شیراز و تیپ خرم آباد و همدان و ... به طور گسترده برای مرحله بیرون راندن دشمن متجاوز، در جبهه جنوب مستقر شدند.

در میان واحدهای نیروی زمینی ارتش ایران در هفته اول حمله عراق به ایران، تنها ارتش ایران در جبهه غرب کشور به فرماندهی سرهنگ هوشنگ عطاریان بود که با اتخاذ و تاکتیک عملیاتی ضد حمله در روز هشتم از شروع جنگ توانست ارتش عراق را از خاک ایران بیرون نمایند، در گزارش جنگی جمهوری اسلامی در آن ایام آمده است: «بعد از ظهر امروز سرهنگ عطاریان قصر شیرین را باز پس ستاند و در جبهه غرب کشور ۸۰ تانک دشمن را نابود کردند و نیروهای ما رادیو و تلویزیون را باز پس گرفتند».

در آن زمان، بارگیری و تخلیه کالا برای عراق از طریق بندر ام قصر که خارج از اروند رود است، انجام می گرفت. صدور نفت عراق از طریق دو سکوی عظیم نفتی به نامهای «البکر» و «الامیه» واقع در مصب اروند رود عملی می شد. در عملیات «مروارید» این سکوهای نفتی منهدم شدند و عملاً صدور نفت عراق از طریق دریا قطع گردید. بدین ترتیب، رفت و آمد کشتی های نفت کش و تجاری برای کشور عراق که از این طریق انجام می گرفت و برای عراق در زمان جنگ نقش اساسی و تعیین کننده داشت، ناممکن شد. از آن سو، ۹۰ درصد از صادرات و واردات ایران که از طریق دریا بود با پیروزی نیروی دریایی ایران و سیادت دریایی ایران در خلیج فارس، امکان پذیر بود.

در این عملیات تاریخی نیروی دریایی ایران، ۴ فروند ناوچه موشک انداز عراقی کلاس «اوزا» و ۷ فروند شناور دیگر عراقی به قعر دریا فرستاده شد و نیروی دریایی عراق عملاً فلج و تا پایان جنگ قادر به ایفاء نقشی نبوده است. ناخدا دکتر مهندس بهرام افضلی که چهارمین فرمانده نیروی دریایی به هنگام شروع جنگ و طراح این عملیات تاریخی بود چهار سال بعد، به خاطر دگراندیشی سیاسی اعدام شد.

جنگ ایران و عراق در آن زمان، یک جنگ کلاسیک نبود و ضمن بهره برداری از تجارب و دستاوردهای فنی و دانش نظامی، لازم بود که فرماندهان و رزمندگان جسارت های ویژه ای را انجام دهند، که به طور کلاسیک توصیه نمی شود.

در هفتم مهرماه ۱۳۶۰ به خاطر رشادت ها و لیاقت های صیاد شیرازی، آیت الله خمینی وی را به فرماندهی نیروی زمینی منصوب کرد. او در عملیات طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، مطلع الفجر، محرم، والفجر ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، عملیات خیبر و بدر و قادر شرکت نمود و پیروزی های بزرگی را برای ایران به ارمغان آورد. سرهنگ علی صیاد شیرازی در

مرداد سال ۱۳۶۵ از فرماندهی نیروی زمینی استعفا داد و با پیشنهاد آیت الله خامنه‌ای و تصویب رهبر انقلاب به سمت نمایندگی امام در شورای عالی دفاع منصوب شد.

میانجی‌گری بین‌المللی

حدود چهار پنج ماه پس از شروع جنگ، مسئله آتش بس و صحبت‌های اولیه آن از سوی هیأت‌های میانجی صلح مطرح شد و در همین رابطه، کشورهای نفتی منطقه خلیج فارس آمادگی خود را برای پرداختن ۶۰ میلیارد دلار غرامت جنگی به ایران اعلام کردند. دو هیأت میانجی صلح یعنی هیأتی از کنفرانس کشورهای اسلامی و هیأتی از جنبش کشورهای غیرمتعهد به دفعات به ایران و عراق سفر کردند و طرح پیشنهادی خود را برای آتش بس با مقامات دو کشور در میان گذاشتند.

رئیس‌جمهور بنی‌صدر و فرماندهان ارتش به طرح آتش بس پیشنهادی که از سوی هیأت جنبش کشورهای غیر متعهد ارائه شده بود، نظر موافق داشتند. ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت که از اداره جنگ ناتوان شده بود، در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ نامه‌ای خطاب به آیت‌الله خمینی نوشت و پیشنهاد هیأت کشورهای غیر متعهد را به سود منافع ایران ارزیابی کرد. اما با توجه به آنکه بخش قابل توجهی از خاک ایران تحت تسلط عراق بود، پذیرش آتش بس مستلزم این بود که ایران امتیازهای بزرگی به عراق بدهد.

بر اساس فعالیت‌های میانجی‌گرانه، قرار بود هیأت صلح از سوی جنبش غیر متعهدها در اواخر خرداد ۱۳۶۰ برای دریافت پاسخ دولت جمهوری اسلامی نسبت به پیشنهاد خود به ایران سفر کنند. محمد علی رجایی نخست‌وزیر وقت از طریق سفیر کوبا در ایران به هیأت مزبور خبر می‌دهد که «فعالاً تحولاتی در ایران در پیش است. لذا امکان پذیرش هیأت میانجی صلح از جانب ایران مقدور نیست». زیرا مقامات ایران پذیرش آتش بس در زمان ضعف را بمثابة تسلیم در برابر دشمن می‌دانستند.

عملیات‌های آزاد سازی

عملیات فتح‌المبین

این عملیات منجر به آزادی سوسنگرد و بستان شد.

عملیات طریق‌القدس

۸/۹/۱۳۶۰ هـ. ش: آغاز عملیات طریق‌القدس، با رمز «یا حسین (ع)»، در غرب سوسنگرد و بستان، با تلاش مشترک ارتش

جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که به این نتایج انجامید: ۱- آزاد سازی شهر بستان و ۷۰ روستا و ۵

پاسگاه مرزی ۲- تأمین امنیت تنگه چزابه ۳- دسترس یافتن به هورالهوریزه ۴- انهدام ۳۸۰ و غنیمت گرفتن ۵۷۰ تانک و خودرو نظامی ۵- سقوط ۱۳ هواپیما و ۴ بالگرد عراقی ۶- کشته و زخمی شدن هزاران بعثی.

عملیات بیت المقدس

این عملیات که بزرگترین و موفقترین عملیات نظامی ایران در طول جنگ و حتی در دویست سال اخیر تاریخ ایران بوده است، منجر به آزادی خرمشهر شد. این عملیات طی چهار مرحله از ۱۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ تا ۳ خرداد ماه این سال به طول انجامید. در عملیات آزادسازی خرمشهر به مدیریت فرماندهان ارتش ایران صیاد شیرازی و سپاه پاسداران محسن رضایی و با همراهی گسترده نیروهای بسیج صورت گرفت. دستاوردها:

آزادسازی ۵۰۳۸ کیلومتر مربع از اراضی اشغال شده از جمله شهرهای خرمشهر و هویزه و پادگان حمید و جاده اهواز - خرمشهر شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از تیررس توپخانه دشمن خارج گردیدند.
۱۸۰ کیلومتر از خط مرزی تامین شد

طی این عملیات حدود نوزده هزار تن از نیروهای دشمن به اسارت درآمده و بالغ بر شانزده هزار تن کشته و زخمی شدند.
۵۱۱ دستگاه تانک و نفربر عراقی، ۳۸ فروند هواپیما و ۸۰ قبضه توپ از ارتش عراق منهدم شد و مقادیر بسیار زیادی سلاح در خرمشهر غنیمت گرفته شد.

همچنین با فتح خرمشهر، برتری نظامی ایران بر عراق مورد تایید کارشناسان و تحلیلگران نظامی قرار گرفت. به گونه ای که نظامیان عراقی تا مدت زیادی نتوانستند از لاک دفاعی خارج شوند. همچنین کشورهای عرب منطقه به تقویت مالی و نظامی عراق مبادرت ورزیدند.

بعد از وقوع این عملیات تحول ژئوپلیتیک در خاورمیانه رخ داد. ارتش اسرائیل به لبنان هجوم آورد و آن کشور را اشغال کرد. لذا بخشی از نیروهای سپاه از جمله تیپ محمد رسول الله به فرماندهی احمد متوسلیان از طریق سوریه به لبنان رفتند و این مسأله طرح شد، که باید با عراق جنگید و یا به لبنان رفت و با اسرائیل جنگید. لذا سه هفته بعد از آزادسازی خرمشهر، آیت الله خمینی در روز ۳۱ خرداد ۱۳۶۱ کماکان به سیاست ادامه جنگ و سقوط صدام و نجات قدس تاکید کرد: «ما باید از راه شکست عراق به لبنان برویم. ما می خواهیم که قدس را نجات بدهیم. لکن بدون نجات کشور عراق از این حزب منحوس [بعث عراق] نمی توانیم. مقدمه اینکه لبنان را نجات بدهیم، این است که عراق را نجات بدهیم.»

ر.ک. شرح عملیات بیت المقدس ویژه نامه عملیات بیت المقدس

فرماندهان ارتش و فرماندهان سپاه پاسداران

حوادث بعدی در جنگ ایران و عراق

بعد از آزادسازی خرمشهر و انتقال مسئولیت فرماندهی جنگ از ارتش به سپاه پاسداران، شیوه عملیات نظامی نیز در جبهه‌ها تغییر بنیادی کرد و عمدتاً بر «امواج انسانی» و اعزام جوانان و نوجوانان به جبهه‌ها تأکید می‌شد. [نیاز به ذکر منبع] به عنوان مثال علی اکبر پرورش وزیر آموزش و پرورش وقت - ظاهراً در این زمان اکرمی وزیر بوده است و این مطلب مربوط به قبل از آزادی خرمشهر است. - در آن زمان با افتخار بیان می‌داشت که توانست موفق شود حدود یک میلیون دانش آموز را به سوی جبهه‌های جنگ روانه کند. فتوای آیت‌الله خمینی در خصوص اعزام جوانان «بالغ» (۱۴ سال و ۶ ماه خورشیدی) به جبهه‌ها در همین راستا بود. که چنین فتوا می‌داد: «مادامی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارد، رفتن به جبهه به بالغین واجب است و رضایت والدین شرط نیست».

عراق برای دومین بار نیروهای احتیاط حتی ۴۰ ساله‌ها را به جبهه فراخواند.

عملیات رمضان

نخستین عملیات نظامی پس از آزادسازی خرمشهر در سوم تیرماه ۱۳۶۱ «عملیات رمضان» بود که با هدایت و فرماندهی سپاه پاسداران در وسعتی حدود ۱۵۰۰ کیلومتر مربع برای تصرف نهایی بصره انجام شد که با شکست سختی مواجه گردیدند.

عملیات محرم

۱۳۶۱/۸/۱۰ هـ. ش: آغاز عملیات محرم، با رمز «یا زینب (س)»، در جبهه جنوب (جنوب شرقی دهلران، غرب عین خوش، شهرهانی، زبیدات، بیات)، با تلاش مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ نتایج مهم این عملیات عبارت است از: ۱- نابودی ۲۶۰ تانک و نفربر زرهی، منهدم کردن ۱۰ هواپیما ۲- غنیمت گرفتن ۱۵۰ تانک و نفربر زرهی و ۲۵۰ خودرو نظامی ۳- آزادسازی ۵۵۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی و تسخیر ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق، منابع نفتی موسیان و بیات و حوضچه‌های نفتی زبیدات و تلمبه خانه و ۷۰ حلقه چاه نفت ۴- کشته و زخمی شدن بیش از ۷ هزار نفر و اسارت ۳ هزار و ۴۰۰ عراقی.

عملیات والفجر ۱

۲۰/۱/۱۳۶۲ هـ.ش: آغاز عملیات والفجر ۱، با رمز «یا الله، یا الله، یا الله»، در جبهه جنوب (منطقه شمال غربی فکه)، با تلاش مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران، که به کشته و زخمی شدن ۶ هزار و ۵۰۰ عراقی و انهدام ۹۸ تانک و نفربر و ۵ بالگرد دشمن و آزاد سازی بخشی از میهن اسلامی انجامید.

عملیات والفجر ۲

۲۹/۴/۱۳۶۲ هـ.ش: آغاز عملیات والفجر ۲، نخستین عملیات کوهستانی در جبهه شمالی - منطقه حاج عمران - با رمز «یا الله، یا الله، یا الله»، با همکاری مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران، که ۱۴ روز طول کشید و به اسارت و کشته و زخمی شدن هزاران عراقی و سقوط ۵ هواپیما و ۱۰ بالگرد عراقی و آزاد سازی منطقه‌ای حدود ۲۰۰ کیلومتر مربع (شامل ارتفاعات کینگ و گردمند و دربند و پادگان حاج عمران) و تصرف ۶۰ پایگاه عراقی انجامید.

عملیات والفجر ۳

۷/۵/۱۳۶۲ هـ.ش: آغاز عملیات والفجر ۳، با رمز «یا الله، یا الله، یا الله»، در جبهه میانی - مهران، با تلاش مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران، که ۱۳ روز طول کشید و به تأمین امنیت شهر مهران و خطوط مرزی و برقراری ارتباط جبهه‌های میانی و جنوب، از طریق جاده ایلام - دهلران، و کشته و زخمی شدن بیش از ۵ هزار عراقی و انهدام ۱۶۵ تانک و یک هواپیما و ۵ بالگرد انجامید.

عملیات والفجر ۴

۲۷/۷/۱۳۶۲ هـ.ش: آغاز عملیات والفجر ۴، با رمز «یا الله، یا الله، یا الله»، در جبهه شمالی - منطقه بانه تا مریوان، با تلاش مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران، که به این نتایج انجامید: ۱- کشته و زخمی شدن ۱۸ هزار عراقی ۲- انهدام بیش از ۹۰ تانک و نفربر و ۲۰۰ خودرو نظامی و ۱۰ هواپیما و ۱ بالگرد ۳- آزاد سازی حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک میهن اسلامی و تصرف ۷۰۰ کیلومتر مربع از خاک دشمن.

عملیات خیبر

۳/۱۲/۱۳۶۲ هـ.ش: آغاز عملیات خیبر، با رمز «یا رسول الله (ص)»، در جبهه جنوب (منطقه هورالهویزه، در شمال بصره)، با تلاش مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران، که این نتیجه‌ها را در برداشت: ۱- آزاد سازی

حدود ۲ هزار و ۱۸۰ کیلومتر مربع، از جمله جزایر مجنون و ۵۰ حلقه چاه نفت ۲- انهدام ۶ هواپیما و ۹ بالگرد و ۳۳۰ تانک و نفربر ۳- کشته و زخمی شدن حدود ۱۵ هزار عراقی ۴- به غنیمت گرفتن دهها خودرو رزمی و مهندسی.

عملیات بدر

ش: ۱۳۶۳/۱۹/۱۲ هـ.ش: آغاز عملیات شکوهمند بدر، با رمز «یا فاطمه الزهراء (س)»، در جبهه جنوب (منطقه هورالهوریزه)، با تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران، نتایج مهم آن عبارت بود از: ۱- آزاد سازی حدود ۸۰۰ کیلومتر مربع، دهها پاسگاه، جاده الحچرده (خندق) ۲- انهدام ۶ هواپیما، ۵ بالگرد، ۲۵۰ تانک و نفربر، ۲۰۰ خودرو نظامی ۳- کشته و زخمی شدن بیش از ۱۵ هزار بعثی و اسارت ۳ هزار و ۲۰۰ نفر از آنان.

عملیات والفجر ۸

عملیات کربلای ۱

عملیات کربلای ۲

عملیات کربلای ۵

عملیات نصر ۴

عملیات والفجر ۱۰

ش: ۲۵/۱۲/۱۳۶۶ هـ.ش: آغاز عملیات والفجر ۱۰، با رمز مقدس «یا رسول الله»، یا رسول الله، یا رسول الله (ص)، در جبهه شمالی (منطقه حلبچه)، با تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با این نتایج: ۱- آزاد سازی شهرهای نوسود و حلبچه و خرمال و دوجیله و بیاره و طویله و ۱۰۰ روستا و ارتفاعات مهم منطقه. ۲- انهدام ۱۰ هواپیما و یک بالگرد و ۴۵۰ تانک و نفربر و صدها خودرو نظامی ۳- کشته و زخمی شدن بیش از ۱۱ هزار بعثی، اسارت بیش از ۴ هزار و ۴۰۰ عراقی ۴- به غنیمت گرفتن بیش از ۲۵۰ تانک و نفربر، صدها خودرو نظامی، ۷۰ توپ و کاتیوشا و....

عملیات مرصاد

جنگ شهرها

جنگ نفت کشها

حمله مجدد عراق به خاک ایران

پس از آزادسازی خرمشهر، مدیریت جنگ از دست فرماندهان ارتش که موافق ادامه جنگ نبودند، عملاً خارج شد و توسط آیت‌الله خمینی به شورای فرماندهان سپاه پاسداران واگذار شد. تا سال ۱۳۶۵ و عملیات کربلا ۵ ایران در جنگ با عراق برتری داشت، به طوری که فاو را تصرف نمود و تا ۸ کیلومتری بصره پیشروی نمود. اما سپس به علت کمک‌های بیدریغ کشورهای اروپایی و بخصوص آمریکا و شوروی و حتی ورود نیروی دریایی این دو کشور به خلیج فارس و جلوگیری از صدور نفت ایران توازن قوا به نفع عراق برهم خورد.

یک هفته بعد از صدور قطعنامه ۵۹۸ یعنی در تاریخ ۷ مرداد ۱۳۶۶، آیت‌الله خمینی کماکان به ادامه جنگ پای می‌فشرد و به عنوان مثال، خطاب به زائران حج، چنین می‌گفت: «تب جنگ در کشور ما جز به سقوط صدام فرو نخواهد نشست و انشاءالله تا رسیدن به این هدف، فاصله چندانی نمانده است و اکنون که به مرز پیروزی مطلق رسیده ایم، صدام و جهانخواران صلح طلب شده‌اند».

در دوره ۶ ساله جنگ در خاک عراق، فرماندهی سپاه پاسداران عمدتاً با تکیه به نیروی بسیج جوانان تا جائیکه ۸۰ درصد پرسنل نیروی زمینی در جبهه‌ها را سپاه پاسداران و نیروهای بسیج تشکیل می‌دادند. در طول این سال‌ها بالغ بر ۵۰ عملیات نظامی به اجراء درآمد تا بتوانند بصره را به اشغال خود درآورند که نا موفق ماندند.

از ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ تا ۲۷ تیر ۱۳۶۷ به مدت ۳ ماه، ارتش عراق از موضع تدافعی به موضع تهاجمی می‌رود و با حمله گسترده نظامی نیروهای سپاه پاسداران را در ظرف ۳۶ ساعت از شبه جزیره فاو بیرون می‌کند.

البته صدام در این اوان به استفاده شدید از مواد شیمیایی روی آورده بود. ارتش عراق از سال ۱۳۶۵ بصورت گسترده و مرتب دست به استفاده انواع گازهای شیمیایی زد.

پذیرش قطعنامه آتش بس

در سال ۱۳۶۷ به علت حمله آمریکا به نفت کش‌ها و پایانه‌های نفتی ایران درآمدهای نفتی ایران بشدت رو به کاهش گذاشت و از سوی دیگر نیروی نظامی عراق چندین برابر میزان آن در ابتدای جنگ شده بود، لذا توازن قوا به نفع عراق بر هم خورد و مسئولان عالی رتبه نظام جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیدند که بهترین زمان برای پذیرش صلح فرارسیده است. لذا در مرحله‌ای که رژیم عراق در حال پیشروی به درون خاک ایران بود، ناگزیر موافقت خود را با قطعنامه ۵۹۸ اعلام کرد. گرچه صدام حتی بعد از پذیرش قطعنامه نیز به ایران حمله کرد و نشان داد که به صلح پایبند نیست.

آیت‌الله خمینی در روز ۲۹ تیر ۱۳۶۷ در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ چنین گفت: «... با قبول آتش بس موافقت نمودم، و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم، و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود. بدا به حال من که هنوز زنده مانده ام و جام زهر آلود قبول قطعنامه را سرکشیدم».

دستاوردها و زیان های جنگ



این جنگ نخستین جنگ تاریخ دویست ساله اخیر ایران است، که در آن یک وجب از خاک کشور از دست نرفته و متجاوز مجبور به عقب نشینی شده است. همچنین حیثیت و شرف مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی در میان اعراب فزونی یافت. نیروی نظامی ایران تجربه و توانایی های زیادی را کسب کرد، به طوری که حتی ایالات متحده آمریکا حمله زمینی به ایران را بسیار پرهزینه می‌داند.

اما از سوی دیگر جنگ ایران و عراق با آمار رسمی دولتی ایران ۲۱۳ هزار کشته و ۳۳۵ هزار معلول و ۴۰ هزار اسیر و هزار میلیارد دلار خسارت بر جامعه ایران وارد کرده است. در حال حاضر، ۲ میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار اراضی ایران همچنان آلوده به مین است و هر هفته به طور متوسط ۱۵ نفر در این اراضی آلوده جان خود را از دست می‌دهند. احتمالاً آمارهای مشابه در خصوص کشته شدگان، معلولین، خسارات مالی و غیره می‌تواند جزو صدماتی باشد که بر مردم عراق در آن جنگ نیز وارد آمده باشد.

منابع

مقاله حمید احمدی

قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت

تقویم تاریخ دفاع مقدس، جلد اول: آخرین روزهای صلح، مرکز پژوهش های دفاع مقدس

تاریخ دفاع مقدس، جلد دوم: غرش توپ ها، مرکز پژوهش های دفاع مقدس

درویشی، فرهاد و همکاران، ریشه های تهاجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

درویدیان، محمد، سیری در جنگ ایران و عراق (سالنمای تحلیلی)، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

[درویدیان، محمد، خونین شهر تا خرمشهر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ]

درویدیان، محمد، خرمشهر تا فاو، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

درویدیان، محمد، فاو تا شلمچه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

درویدیان، محمد، شلمچه تا حلبچه، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

[درویدیان، محمد، حلبچه تا مرصاد، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ]

درویدیان، محمد، پایان جنگ، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

ده نمکی، مسعود، کتابشناسی اسارت

خاطرات امیر سپهبد صیاد شیرازی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی